

مشروعیت توسل به زور علیه عراق: بررسی نظریه پیش‌دستی در دفاع از خود^۱

ماری الن اکنل^۲

ترجمه: سیدحسین سادات میدانی

مقدمه مترجم

به رغم مخالفت‌های دولتی و مردمی با حمله نظامی به عراق، سرانجام ایالات متحده و انگلیس در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ (۲۹ اسفند ماه ۱۳۸۱) حملات نظامی خویش علیه این کشور را آغاز نمودند. ایالات متحده و انگلیس مدعی هستند که سلاح‌های کشتار جمعی عراق تهدیدی علیه امنیت این کشورها قلمداد می‌گردیده و مبنای اقدام خویش را در قالب حق ذاتی دفاع از خود (پیش‌دستی در دفاع از خود) توجیه می‌نمایند. این در حالی است که اکثر دولت‌ها معتقدند در آن

۱. این مقاله با عنوان: The Myth of Preemptive Self-Defense از سایت اینترنتی انجمن امریکایی حقوق بین‌الملل (American Society of International Law) گرفته شده است برای مشاهده متن اصلی مقاله رجوع کنید به:

<http://www.asil.org>

۲. ماری الن اکنل (Mary Ellen O'Connell) استاد حقوق دانشکده موریتس و عضو مرکز تحقیقاتی امنیت بین‌المللی و سیاست عمومی مرشون، دانشگاه ایالت آهایو است.

نقطه زمانی ضرورت توسل به زور نظامی وجود نداشته است. به موجب بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد، کلیه اعضای ملل متحد می‌بایست در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور و یا استفاده از آن علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر کشور یا از هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد مابینت داشته باشد، خودداری نمایند.^(۱) قاعده‌ای که از آن به عنوان یکی از "اصول اساسی یا بنیادین" یاد شده است، البته توسل به زور از سوی دولت‌ها صرفاً در قالب سیستم امنیت دسته‌جمعی ملل متحد (ماده ۴۲ منشور) و براساس حق ذاتی دفاع از خود در قبال حمله مسلحانه (ماده ۵۱ منشور) ممکن است.

باعنایت به عدم حصول تصمیم مشترک میان دولت‌ها در چارچوب ملل متحد (شورای امنیت) و عدم وجود این چنین مبنایی طبق قطعنامه‌های قبلی شورای امنیت (به ویژه قطعنامه‌های ۶۷۸، ۶۸۷، ۱۱۵۴، ۱۲۰۵ و ۱۴۴۱) این سؤال مطرح می‌گردد که آیا در حقوق بین‌الملل "پیش‌دستی در دفاع از خود" به عنوان یکی از عوامل رافع مسئولیت بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته است. به عبارت دیگر در حالی که از دیدگاه حقوقی دفاع از خود صرفاً در صورت وجود "حمله مسلحانه" (armed attack) ممکن گردیده، آیا می‌توان به صرف دارا بودن سلاح‌های کشتار جمعی علیه یک کشور به زور نظامی متوسل گردید. مقاله حاضر که پیش از آغاز حملات با عنوان "افسانه پیش‌دستی در دفاع از خود" در اوت سال ۲۰۰۲ به رشته تحریر درآمده است به بررسی مبانی حقوقی و آثار ایجاد این چنین حتی در عرصه بین‌المللی می‌پردازد.

در ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ حملاتی علیه ایالات متحده امریکا انجام پذیرفت. هواپیمارایان هواپیماهای مسافربری را تبدیل به موشک‌هایی نمودند و از آنها برای تخریب مرکز تجارت جهانی و ایراد خسارت به ساختمان پنتاگون استفاده کردند. پس از این حادثه رئیس جمهور ایالات متحده اعلام داشت که این کشور علیه عاملان این حوادث شدیداً اقدام خواهد نمود.^(۱) یکی از اعضای عالی‌رتبه دولت امریکا نیز بر توسل به زور علیه هر دولتی که با گروه‌های تروریستی در ارتباط باشد، تأکید کرد.^(۲) با این حال با عنایت به حمایت شدید بین‌المللی از

موضوع گیری دولت ایالات متحده مبنی بر اتخاذ هرگونه اقدام پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، این کشور از واکنش سریع خودداری نمود. چند روز پس از وقوع حملات، مشخص گردید که کلیه عاملان این حادثه عضو سازمان تروریستی "القاعده" بوده‌اند، سازمانی که خارج از افغانستان مشغول فعالیت است.^(۳) دولت انگلیس در ۴ اکتبر گزارشی را منتشر ساخت که نشان می‌داد بین گروه القاعده و دولت غیررسمی افغانستان روابط نزدیکی وجود دارد.^(۴) برای اساس عملیات آزادسازی^۱ از طریق حملات هوایی گسترده و اعزام نیروی زمینی به این کشور علیه افغانستان آغاز گردید. هر دو دولت ایالات متحده و انگلیس به شورای امنیت گزارش دادند که این عملیات در راستای اعمال حق دفاع از خود فردی و جمعی طبق مفاد ماده ۵۱ منشور ملل متحد بوده است، ماده‌ای که توسل به زور در قالب دفاع از خود را در قبال حمله مسلحانه^۲ اجازه می‌دهد.^(۵)

ایالات متحده و انگلیس با پاسخگویی فوری در قبال اولین حمله مسلحانه علیه سرزمین امریکا پس از تدوین منشور^(۶) قواعد حقوق بین‌الملل را رعایت نمودند. اما در هفته‌ها و ماه‌های پس از پایان یافتن این عملیات، یکسری اقدامات نامحدود دیگر، از جمله حمله علیه عراق پیشنهاد گردید.^(۷) به منظور حمله و تصرف عراق انجام عملیات مشابه نیازمند بیش از دو بیست هزار سرباز می‌باشد. طراحان این نظریه استدلال می‌نمایند، از آنجایی که رژیم حزب بعث به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی خویش ادامه داده و ممکن است مجدداً از آن سلاح‌ها علیه مخالفان خویش استفاده نماید و یا این سلاح‌ها را به شبکه‌های تروریستی عرضه کند، ضروری است حکومت عراق از صحنه روزگار حذف گردد.^(۸) این طرح حمله با هدف از بین بردن سران حزب مذکور که ممکن است استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی را دستور داده و یا به سایرین در این زمینه کمک رسانند، به دنبال پیش‌دستی در قبال هرگونه خطر می‌باشد.

این استراتژی بر مفهوم "پیش‌دستی در دفاع از خود"^۳ مبتنی است.^(۹) بدیهی است از دیدگاه حقوق بین‌الملل پیش‌دستی در دفاع از خود غیرقانونی است. اقدام مسلحانه در قالب دفاع

1. Operation Enduring Freedom

2. Armed Attack

3. Preemptive Self-defense

از خود صرفاً در قبال حمله مسلحانه اجازه داده شده است. سال‌های فراوانی است که برخی از صاحب‌نظران استدلال می‌نمایند، می‌بایست پیش‌دستی در دفاع از خود را قانونی فرض نمود، با این حال ایالات متحده به عنوان یک دولت، مکرراً از ممنوعیت این چنین پیش‌دستی در توسل به زور حمایت به عمل آورده است. این سیاست از سوی ایالات متحده به دلیل یک سری دلایل متقاعد کننده امنیت ملی و در راستای ارزش‌های ملی اتخاذ گردیده است. بنابراین واقعیت این است که ایالات متحده هیچ حقی برای توسل به زور به منظور جلوگیری از حملات مسلحانه احتمالی که با حملات واقعی متفاوت می‌باشند، نخواهد داشت. واقعیت دیگر این است که چنانچه ایالات متحده بر این اساس عمل نماید، نمی‌تواند امنیت یا جایگاه اخلاقی خویش در جهان را به پیش برد.

بند اول: حقوق مغایر با پیش‌دستی در دفاع از خود

پس از دو جنگ جهانی در نیمه اول قرن بیستم، ایالات متحده و متحدان او در سال ۱۹۴۵ متعهد گردیدند که ممنوعیت گسترده و حقوقی را در زمینه توسل به زور به وجود آورده و نهادی را به منظور تضمین این ممنوعیت تأسیس نمایند. منشور ملل متحد به عنوان یک معاهده الزام‌آور که تقریباً اکثر دولت‌های جهان آن را پذیرفته‌اند، در ماده ۲ (۴) خود ممنوعیت توسل به زور را پیش‌بینی نموده و شورای امنیت را به عنوان مرجع اتخاذ اقدام در قبال "تهدیدات علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزکارانه" ایجاد می‌کند.

الف. ممنوعیت جامع زور^(۱۰)

ممنوعیت استفاده از زور نظامی در ماده ۲ (۴) منشور ملل متحد پیش‌بینی گردیده است و صرفاً در چند مورد صریح دارای استثناء می‌باشد:

"کلیه اعضا می‌بایست در روابط بین‌المللی خویش از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت یا هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد در تعارض است، خودداری نمایند."^(۱۱)

در منشور تنها دو استثناء بر این ممنوعیت فرض گردیده است، شورای امنیت ممکن

است به نحوی که در فصل هفتم پیش‌بینی شده است، به منظور حفظ صلح از زور استفاده نماید. دولت‌ها بر اساس ماده ۵۱ منشور همچنین حق استفاده از زور در قالب دفاع از خود فردی و جمعی را دارند:

“هیچ موردی در این منشور، بر حق ذاتی دفاع از خود فردی یا جمعی در صورت وقوع یک حمله مسلحانه علیه یک دولت عضو ملل متحد لطمه وارد نخواهد ساخت، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات ضروری را به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اتخاذ نماید. اقداماتی که از سوی اعضا در راستای اعمال این حق دفاع از خود اتخاذ می‌گردد، می‌بایست سریعاً به شورای امنیت گزارش شود و به هیچ وجه نمی‌بایست بر اختیارات و مسؤولیت‌های شورای امنیت طبق این منشور جهت اتخاذ اقدامی که برای حفظ یا ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی در هر زمانی که ضروری تشخیص دهد، تأثیرگذار باشد.”^(۱۲)

تفسیر منشور به عنوان یک مجموعه نشان می‌دهد که نیت طراحان منشور این بوده که ممنوعیت زور جامع باشد و صرفاً استثنائات مشخصی را مورد پذیرش قرار می‌دهد، این نتیجه‌گیری مورد تأیید تاریخچه تهیه پیش‌نویس منشور نیز می‌باشد.^(۱۳)

با این حال برخی از صاحب‌نظران سال‌هاست که استدلال می‌نمایند، ماده ۲(۴) در خود ممنوعیت عام توسل به زور را در بر ندارد، بلکه صرفاً ممنوعیت توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها یا مغایر با اهداف ملل متحد را شامل می‌گردد. پرفسور آنتونی داماتو^۱ از این تفسیر، به منظور توجیه حمله سال ۱۹۸۱ اسرائیل علیه راکتورهای هسته‌ای عراق در اسیریک^۲ بهره می‌جوید.

قصد اسرائیل این بوده است که مانع از توسعه سلاح‌های هسته‌ای عراق گردد. این حمله با هدف تأمین امنیت درازمدت اسرائیل بوده است. از دیدگاه آقای داماتو، حمله اسرائیل تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی عراق را مورد هدف قرار نداده است. به علاوه با اهداف ملل متحد نیز مغایرت نداشته است.^(۱۴) بر اساس این دیدگاه مضیق از حاکمیت داماتو نتیجه‌گیری می‌کند که این

1. Anthony D'Amato

2. Osirik

حمله ممنوعیت مندرج در ماده ۲(۴) را نقض ننموده است. البته واکنش بین‌المللی در قبال حمله اسرائیل کاملاً منفی بود. شورای امنیت با اجماع قطعنامه‌ای را به تصویب رسانید که طی آن عمل اسرائیل به عنوان نوعی نقض منشور محکوم گردید.^(۱۵) این محکومیت شورا برداشت عام را که به موجب آن ماده ۲(۴) یک ممنوعیت جامع در توسل به زور را دربرمی‌گیرد، مورد تأیید قرار می‌دهد.^(۱۶)

ب. استثناء دفاع از خود

ماده ۵۱ تنها استثناء مشخص ممنوعیت عام توسل به زور یکجانبه را تشریح می‌نماید. دولت‌ها می‌توانند در قبال یک حمله مسلحانه در قالب دفاع از خود به زور متوسل شوند. این قرائت با کلمات ساده^۱ موجود در ماده ۵۱، تاریخچه تهیه پیش‌نویس و موضع‌گیری‌های رسمی دولتی منطبق می‌باشد. این برداشت همچنین با تفسیر قابل استناد^۲ دیوان بین‌المللی دادگستری از ماده ۵۱ نیز منطبق است. به‌رغم تبیین برخی مسایل پس از حوادث ۱۱ سپتامبر توسط شورای امنیت و دولت‌ها، با این حال کماکان ابهاماتی در خصوص زمان آغاز حمله مسلحانه جهت استناد به حق دفاع از خود وجود دارد. برای ایجاد حق دفاع از خود فردی یا جمعی لازم است یک حمله در حال وقوع بوده و یا قبلاً به وقوع پیوسته باشد. هرگونه واکنش قبل از این تاریخ منوط به تأیید شورای امنیت می‌باشد. بنابراین هیچ حق خودگمارده‌ای^۳ وجود ندارد که بتوان براساس آن علیه دولت دیگر به دلیل ترس از این که این دولت در حال طراحی یا گسترش سلاح‌هایی است که در یک عملیات نظامی فرضی قابل استفاده خواهد بود، حمله نمود.

۱. حمله مسلحانه حقیقی^۴

عبارات صریح ماده ۵۱ به این نکته اشاره دارند که حق دفاع از خود در صورت وقوع یک حمله مسلحانه ممکن می‌باشد. متن ماده مذکور در قضایای مختلفی توسط دیوان بین‌المللی

1. Plain Words
2. Authoritative
3. Self- appointed
4. Actual Armed Attack

دادگستری مورد تفسیر قرار گرفته است.^(۱۷) در قضیه نیکاراگوئه دیوان بیان داشت که حق دفاع از خود فردی یا جمعی صرفاً زمانی مطرح می‌شود که اعمال آن چنان گسترده باشند که با یک حمله مسلحانه برابری نمایند.^(۱۸) به هنگام نتیجه‌گیری در مورد این مسأله که دفاع از خود یک جانبه در مقابل حمله مسلحانه ممکن است همچنین شامل "ارسال باندهای مسلح، گروه‌ها، چریک‌ها یا مزدوران از سوی یا به نمایندگی از یک دولت که علیه یک دولت دیگر از نیروی مسلح برابر با حمله مسلحانه واقعی نیروهای منظم، استفاده می‌نمایند"، شود، تاحدودی بر تعریف مجمع عمومی از تجاوز^(۱۹) مبتنی بوده است.^(۲۰)

دیوان در آن قضیه ادعای ایالات متحده در خصوص مشروع بودن توسل به زور آن کشور علیه نیکاراگوئه به عنوان دفاع از خود جمعی السالوادور را مورد بررسی قرار داد. ایالات متحده استدلال می‌نمود که نیکاراگوئه با فراهم آوردن تسلیحات و تجهیزات برای شورشیان السالوادور ابتدا از زور غیر مشروع استفاده کرده است. اما دیوان به این نتیجه رسید که مشخص نگردیده، نیکاراگوئه مسؤل فراهم آوردن تسلیحات و تجهیزات برای شورشیان السالوادور بوده است و حتی چنانچه اینگونه می‌بود، عرضه تسلیحات مفهومی همانند حمله مسلحانه ندارد.^(۲۱) به علاوه السالوادور نه به شورای امنیت گزارش داده و نه از ایالات متحده تقاضای یاری رسانی در امر دفاع از خود کرده است.^(۲۲) با در نظر گرفتن قضیه نیکاراگوئه به این نتیجه می‌رسیم که تهدید به زور علیه یک دولت با حمله مسلحانه برابر نیست و دولت مورد تهدید می‌بایست اقداماتی غیر از اقدام در جهت دفاع مسلحانه از خود به عمل آورد.^(۲۳) یا این که می‌بایست به دنبال مجوز شورای امنیت برای این عمل باشد.

به علاوه دولت‌ها براساس مبانی مسؤلیت دولت‌ها و ممنوعیت اقدام به مثل مسلحانه دارای محدودیت هستند. اقدام به مثل مسلحانه، نوعی توسل به زور با هدف انتقام^۱، مجازات یا بازدارندگی عام می‌باشد.^(۲۴) مجمع عمومی این اقدام به مثل مسلحانه را غیرقانونی اعلام داشته و دولت‌ها متعهدند از انجام آنها خودداری ورزند.^(۲۵) حق دفاع از خود محدود به توسل به زوری است که به منظور دفع یک حمله در حال انجام،^(۲۶) با هدف جلوگیری از حملات آینده دشمن

پس از حمله اولیه یا از بین بردن آثار حمله دشمن همانند پایان بخشیدن به اشغال انجام پذیرد.^(۲۷) دولت دفاع کننده در صورت وجود رعایت اصول ضرورت و تناسب می تواند با دفاع نیروهای دشمن حمله کننده را نابود نماید. در صورت ضرورت این حق همچنین می تواند شامل دفاع متناسب، در داخل سرزمین دشمن حمله کننده نیز باشد.^(۲۸) توسل به زور تدافعی به مقتضای شرایط می تواند با تأخیر و پس از یک حمله مسلحانه غیرقانونی انجام گیرد. اندکی تأخیر جهت سازمان دهی عملیات دفاع قابل قبول خواهد بود.^(۲۹)

توسل به زور در حالت دفاع از خود صرفاً در قبال دولتی ممکن است که قانوناً مسؤولیت حمله مسلحانه را داشته است. دیدگاه کلی این است که برای استناد به حق دفاع از خود تنها نشأت گرفتن حمله دشمن از داخل سرزمین یک دولت کفایت می نماید. به علاوه چنانچه دولتی از کارگزاران خویش برای انجام حمله استفاده نماید،^(۳۰) یا در این که که نسبت به حملات کنترل نداشته،^(۳۱) بلکه حمله کنندگان را یا پشتیبانی کرده،^(۳۲) یا این که متعاقباً اعمال حمله کنندگان را به عنوان عمل خویش مورد تأیید قرار دهد،^(۳۳) دارای مسؤولیت قانونی خواهد بود.

هرگونه توسل به زور در مقام دفاع از خود می بایست اصول ضرورت و تناسب را رعایت نماید. اصل ضرورت، توسل به زور نظامی را محدود به دستیابی به اهداف نظامی مشروع می نماید.^(۳۴) اصل تناسب نیز مستلزم آن است که قربانیان غیرنظامی احتمالی متناسب باشند. چنانچه صدمات جانی بی گناهان یا تخریب اموال غیرنظامیان در مقایسه با اهمیت هدف، نامتناسب باشند آن حمله می بایست خاتمه پیدا کند.^(۳۵)

۲. دفاع از خود پیش از موعد^۱

شرایط قضیه نیکاراگوئه به نحوی نبود که دیوان به این مسأله بپردازد که در چه زمانی دفاع از خود واقعاً می بایست آغاز گردد؟^(۳۶) در آن قضیه صرفاً حملات شبه نظامیان علیه حکومت السالوادور مطرح بود و این مسأله مدنظر بود که آیا ارسال تسلیحات نیکاراگوئه و عرضه آنها به شورشیان به مفهوم "حمله مسلحانه" می باشد.^(۳۷) لذا دیوان دلیلی ندید که به مسأله زمان آغاز حمله مسلحانه بپردازد. هیچ مرجع بین المللی دیگری نیز به این موضوع نپرداخته

1. Anticipatory Self-defense

است. اما با توجه به رویه دولت‌ها و اصول کلی حقوقی به طور کلی حقوق دانان از طریق یک استدلال منطقی پذیرفته‌اند، هرگاه دولتی اطمینان یابد که حمله‌ای علیه او انجام خواهد شد، می‌بایست قبل از دفاع منتظر وقوع ضربه واقعی باشد.^(۳۸) این مسأله در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی نیز مصداق دارد.

بنابراین حق دفاع از خود پیش از موعد بسیار محدود است، این حالت توسط سر همفری والدوک^۱ اینگونه توصیف گردیده است: "هنگامی که شواهد حتمی (و نه صرفاً تهدید) و خطرات بالقوه‌ای وجود دارد و این وضعیت واقعاً همانند یک حمله می‌باشد، به نحوی که به‌رغم عدم عبور از مرز بتوان بیان داشت، حمله مسلحانه به وقوع پیوست."^(۳۹) پروفیسور دینستین^۲ به جای عبارت "دفاع از خود پیش از موعد" در این وضعیت، از اصطلاح "دفاع از خود اولیه"^۳ استفاده می‌کند.^(۴۰) به عنوان مثال پروفیسور دینستین استدلال می‌نماید، ایالات متحده می‌توانست در جنگ جهانی دوم مشخصاً علیه ناوگان ژاپن که به سمت بندر پرل در حال حرکت بود، حمله نماید، چنانچه واقعیاتی دال بر این وجود داشت که ایالات متحده درخصوص دستور حمله به ناوگان ژاپنی اطلاعات دقیق و متقاعد کننده‌ای دارا بوده است. تحلیل‌گران حمله اسرائیل علیه مصر در سال ۱۹۶۷ را نیز براساس استدلال مشابه توجیه می‌نمایند. در آن قضیه اسرائیل بیان داشت که اطلاعات موثقی در دست دارد که مصر به اسرائیل حمله خواهد کرد و اقدامات مصر در راه است. حال این که می‌دانیم، اقدام اسرائیل بر مبنای ادله‌ای انجام گرفت که چندان قابل پذیرش نبود.^(۴۱) بنابراین نمی‌توان از جنگ ۱۹۶۷ اعراب و اسرائیل به عنوان مثال بارز "دفاع از خود پیش از موعد" یاد نمود.

دیدگاه دینستین درخصوص زمان وقوع یک حمله مسلحانه در رویه دولت‌ها جایگاه حقوقی ندارد، لکن با دکترین سال ۱۸۴۲ کشتی کارولین تاحدود زیادی منطبق است. قضیه کارولین نشانگر توافق مقامات انگلیس و امریکا در زمینه زمان مجاز برای توسل به زور تدافعی

1. Sir Humphrey Waldock

2. Dinstein

3. Incipient Self-Defense

می‌باشد. هنگامی که "ضرورت دفاع از خود، فوری، قاطع و بدون وجود امکان توسل به هرگونه ابزار دیگر و یا امکان مذاکره است."^(۴۲) از این فورمول چنانچه در جهت تعیین زمان وقوع حمله مسلحانه استفاده شود، بیانگر یک احساس مشترک می‌باشد و متناسب با روح و مفاد و منشور خواهد بود. یک حمله می‌بایست قابل اثبات باشد. "این حمله است که در این مورد نقش اساسی را ایفا می‌نماید."^(۴۳)

این استدلال به هنگام بررسی مسأله استفاده از زور توسط قربانی علیه دشمن به دلیل وجود ادله محکم مبنی بر حمله مجدد نیز صادق خواهد بود. به عبارت دیگر قربانی نیاز ندارد که منتظر وقوع حملات جدید باشد. دفاع می‌بایست پس از وقوع حمله در یک دوره زمانی معقول انجام پذیرد تا این که بتوان آن را متناسب با حملات در حال وقوع قلمداد کرد.^(۴۴) چنانچه تروریست‌ها در یک پایگاه تروریستی حملاتی را طراحی نمایند، دولت می‌تواند در صورت داشتن شواهد برای جلوگیری از حملات بعدی به آنها پاسخ دهد.^(۴۵) البته در صورت فقدان ادله متقاعدکننده نسبت به وجود حملات آتی، پاسخ نظامی یک اقدام به مثل یا مجازات غیرقانونی خواهد بود.^(۴۶) اما نیت دشمن جهت تداوم حملات بدین معناست که حتی زور مسلحانه در حالت دفاع از خود قانونی است. واکنش جهانی در قبال حوادث ۱۱ سپتامبر نیز مؤید این مسأله می‌باشد.

شورای امنیت در دو قطعنامه خود به حق دفاع از خود در رابطه با حملات ۱۱ سپتامبر اشاره داشته است.^(۴۷) نوزده عضو ناتو نیز این حملات را در زمره حملاتی قرار داده‌اند که امکان دفاع از خود جمعی طبق مواد پیمان آتلانتیک شمالی وجود دارد.^(۴۸) ایالات متحده و انگلیس به این دلیل که حملات جدید در راه خواهند بود، علیه افغانستان اقدام نمودند. در عملیات آزادسازی علیه افغانستان، متحدان آمریکا استدلال نمودند که حملات ۱۱ سپتامبر بخشی از حملات علیه ایالات متحده است که از سال ۱۹۹۳ آغاز گردیده،^(۴۹) حملات مشابه دیگری نیز طراحی گردیده است. ایالات متحده اسنادی را مبنی بر ارتباط بن لادن با حملات سال ۱۹۹۳ علیه مرکز تجارت جهانی، بمب‌گذاری در سفارتخانه‌های آمریکا در نایروبی و کنیا در سال ۱۹۹۸، حمله علیه نیروهای آمریکایی در یمن در سال ۲۰۰۰ و حملات علیه پنتاگون و مرکز تجارت

جهانی در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منتشر ساخت. (۵۰) تقریباً اندکی پس از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده و دولت‌های اروپایی ادعا نمودند که حملات دیگری نیز در راه است که آنها را شناسایی کرده‌اند. (۵۱) این شواهد به اعضای ناتو منتقل گردید، شواهدی که به نظر می‌رسید قابل قبول باشند. (۵۲) بنابراین بر مبنای حقایق موجود و آشکار، ایالات متحده و انگلستان ادعا نمودند که شواهد روشن و متقاعد کننده‌ای وجود دارد که براساس آنها می‌توان اثبات نمود حملات بعدی علیه ایالات متحده انجام خواهد شد. پس از انجام عملیات آزادسازی، نیروهای امریکایی اسنادی را در افغانستان یافتند که نشان می‌داد یک سری حملات دیگر طراحی شده بودند. (۵۳) با توجه به تداوم عملیات ائتلاف در سال ۲۰۰۲ فقط انتقاداتی نسبت به میزان خسارات جانبی وارده به غیرنظامیان که در اثر حملات هوایی کشته شده بودند، وجود داشت. (۵۴)

می‌توان بیان داشت شورای امنیت پس از ۱۱ سپتامبر از نظریه دفاع از خود پیش از موعد، چنانچه یک حمله مسلحانه‌ای به وقوع پیوسته و شواهد جدی دال بر طراحی حملات بیشتر وجود داشته باشد، (اگرچه در حال حاضر انجام نمی‌شوند) حمایت به عمل آورده است. برعکس چنانچه بتوان اثبات نمود که حمله‌ای با پاسخگویی به حملات اولیه یا حملات در حال انجام متفاوت است، از دیدگاه حقوق بین‌الملل دفاع از خود پیشگیرانه یا حتی دفاع از خود پیش از موعد ممنوع است. به عبارت دیگر هرگاه حمله‌ای صرفاً امکان فرضی آن وجود داشته است و در مرحله انجام نباشد، دولت‌ها نمی‌توانند علیه آن دولت به اقدام نظامی متوسل شوند، حتی اگر موضوع سلاح‌های کشتار جمعی مطرح باشد. ۳. پیش‌دستی در دفاع از خود

ایالات متحده نسبت به دولت‌های دارنده سلاح‌های کشتار جمعی نگران است، به ویژه کشورهایی که حکمرانان آنها همانند صدام حسین باشند. اما صرف داشتن اینگونه تسلیحات بدون هرگونه اقدام به مفهوم حمله مسلحانه نمی‌باشد. مطمئناً عراق پس از شکست این کشور در جنگ خلیج فارس، توسط شورای امنیت متعهد گردیده است که از هرگونه گسترش تسلیحات هسته‌ای خویش خودداری نماید. این ممنوعیت در قطعنامه سال ۱۹۹۱ که جنگ نیروهای متحد علیه عراق در عملیات طوفان صحرا را به حالت تعلیق درآورده است، درج گردیده است. (۵۵) اما

نقض یک تعهدخلع سلاح به خودی خود به مفهوم حمله مسلحانه نمی‌باشد. به عنوان یک موضوع کلی، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی خویش بیان داشت که در حقوق بین‌الملل عرفی صرف داشتن تسلیحات هسته‌ای از سوی دولت‌های عادی (غیرهسته‌ای) غیرقانونی نمی‌باشد. همانگونه که دیوان خاطر نشان ساخت از دیدگاه حقوق بین‌الملل موجود و حقایق نزد دیوان، دیوان نمی‌تواند مشخصاً نتیجه‌گیری کند که تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در وضعیت حاد دفاع از خود که در آن اساس بقای یک دولت در معرض خطر است، قانونی یا غیرقانونی است.^(۵۶) صرف داشتن و بدون تهدید یا استفاده به مفهوم حمله مسلحانه غیرقانونی نیست.

هنگامی که هواپیماهای جت اسرائیلی در سال ۱۹۸۱ راکتورهای هسته‌ای در حال ساخت عراق در شهر اسیریک را بمباران نمودند، به‌رغم تهدیدات ناشی از تسلیحات هسته‌ای صدام حسین برای اسرائیل، شورای امنیت به اتفاق آرا این بمباران را محکوم نمود. شورا به این نتیجه رسید که "حمله نظامی اسرائیل نقض بارز منشور ملل متحد و هنجارهای رفتاری بین‌المللی است."^(۵۷) نماینده آمریکا نزد شورای امنیت ملل متحد، جین کیرک پتریک^۱ بیان نمود که ایالات متحده نیز معتقد است اسرائیل منشور را نقض کرده است، به ویژه به این دلیل که قبل از حمله گزینه‌های مسالمت‌آمیز را نپیموده است.^(۵۸) بسیاری از نمایندگان تحت تأثیر شهادت مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که اظهار داشته بود این آژانس هیچ مدرکی دال بر گسترش تسلیحات غیرقانونی توسط مقامات عراقی نیافته است، قرار گرفتند.^(۵۹) نه تنها آژانس بین‌المللی انرژی اتمی هیچ ردپایی از مواد هسته‌ای نیافت، بلکه اسرائیل نیز هیچ مدرکی مبنی بر قریب‌الوقوع بودن حمله در حال انجام ارائه نکرد.^(۶۰)

اکثر طرفداران تفسیر موسع حق دفاع از خود پیش از موعد استدلالات خویش را بر واژه "ذاتی"^۲ مندرج در ماده ۵۱ استوار می‌سازند^(۶۱). این گروه استدلال می‌کنند که تعهد ماده ۵۱ به عدم "لطمه وارد ساختن به حق ذاتی دفاع از خود"، حقوق عرفی دفاع از خود قبل از تصویب

1. Jeanne Kirkpatrick

2. Inherent

منشور را دست نخورده و بدون تغییر باقی گذاشته است. پروفیسور هنکین تشریح می‌کند که این تئوری به هنگام "بحران سوئز" به منظور توجیه توسل به زور علیه مصر به دنبال ملی شدن کانال سوئز توسط جمال عبدالناصر شکل گرفته است.^(۶۲) توسل به زور در آن قضیه به طور گسترده (از جمله توسط دولت آیزنهاور) محکوم گردید.^(۶۳) برخی از طرفداران این تئوری ادعا می‌نمایند که حقوق عرفی قبل از منشور توسل به زور در حالت دفاع از خود را حتی در صورت نبود یک حمله مسلحانه اجازه می‌دهد. برخی دیگر از طرفداران محافظه کار این تئوری ادعا می‌نمایند، در صورت قریب‌الوقوع بودن حمله، حقوق بین‌الملل عرفی، دفاع از خود پیش از موعد را اجازه می‌دهد.^(۶۴)

تئوری "حق ذاتی"^۱ نقاط ضعیف فراوانی دارد، زیرا تفسیرش از حقوق بین‌الملل عرفی به دوره تاریخی قبل از تصویب منشور بر می‌گردد. در دوره تاریخی قضیه کشتی کارولین که از آن به عنوان مبنای استدلال استفاده می‌شود، به طور کلی توسل به زور به عنوان یک ابزار سیاست ملی قانونی بوده است.^(۶۵) حال این که منشور ملل متحد به این دلیل تدوین گردید که ممنوعیت گسترده‌تری در خصوص توسل به زور نسبت به آنچه که قبل از سال ۱۹۴۵ در حقوق قراردادی یا حقوق عرفی وجود داشته است، به وجود آید، چه رسد به حقوقی که در سال ۱۸۴۲ وجود داشته است. حتی چنانچه عرف‌های قبلی، پیش‌دستی در دفاع از خود را اجازه می‌داده‌اند، این استدلال که این عرف‌ها پس از سال ۱۹۴۵، نیز میان دولت‌های عضو ملل متحد وجود دارد، مستلزم پذیرش این مسأله است که عبارت "ذاتی" بر عبارات گویای ماده (۴) و عبارت "حمله مسلحانه" مندرج در ماده ۵۱ ارجحیت داده شود. در حقیقت این استدلال مستلزم رجحان یک عبارت بر کل ساختار و هدف منشور ملل متحد است. مؤسسان منشور شورای امنیت را مشخصاً به این منظور طراحی کرده‌اند که به تهدیدات علیه صلح پاسخ دهد. با این حال منشور حق اقدام یکجانبه دولت‌ها را صرفاً در صورت وجود حمله مسلحانه محفوظ داشته است. در وضعیت‌هایی که شواهد عینی حمله مسلحانه وجود ندارد، منشور تصمیم‌گیری جمعی را پیش‌بینی کرده است. تجویز پیش‌دستی در دفاع از خود صرفاً بنا بر صلاحدید یک دولت اساساً با ساختار منشور

مغایرت دارد. این دکترین استثنایی است که می‌تواند ممنوعیت توسل به زور مندرج در ماده (۴) ۲ و نتیجتاً اهداف ملل متحد را تخریب نماید. همراه با بسیاری از رویه دولت‌ها، دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه حق توسل به زور در صورت فقدان یک حمله مسلحانه را رد نمود.

برخی از نویسندگان طرفدار تئوری "حق ذاتی" استدلال می‌نمایند که ابعاد حق دفاع از خود توسط متن منشور و رویه بعدی دولت‌ها تغییر نیافته است. در حقیقت برخی از اصول حقوق بین‌الملل حتی با توافق یا رویه بعدی غیرقابل تغییر می‌باشند. این اصول جزء اصول آمره^۱ هستند. لیکن هیچ مرجعی تاکنون حق یک جانبه دفاع از خود پیش از موعد را یک اصل آمره اعلام ننموده است. استناد منشور بدین منظور بوده که دولت‌ها بتوانند براساس تصمیم شورای امنیت به نگرانی‌های اولیه از امنیت بین‌المللی بپردازند. در حقیقت دیوان بین‌المللی دادگستری ممنوعیت توسل به زور منشور در ماده (۴) ۲ را به عنوان یک قاعده آمره اعلام کرده است.^(۶۶) (و نه دفاع از خود) اکثر نظریه‌پردازان تئوری حق ذاتی را رد می‌نمایند.^(۶۷)

بدون تردید برخی از نویسندگان مسأله وجود قواعد ثابت در زمینه توسل به زور را زیر سؤال می‌برند. آنها به دولت‌هایی که مکرراً قواعد منشور را نقض نموده اشاره دارند و برآن اساس نتیجه‌گیری می‌کنند که رژیم منشور و قواعد آن پایدار نیست. پروفیسور توماس فرانک^۲ اظهار داشته است که قواعد منشور در سال ۱۹۷۰ منسوخ شده‌اند.^(۶۸) پروفیسور کامباکو^۳ همین ادعا را در اواسط دهه ۱۹۸۰ مطرح ساخته^(۶۹) و پروفیسور گلنون^۴ در سال ۲۰۰۲ این مسأله را مجدداً اعلام نموده است.^(۷۰) طبق این استدلال قواعد پایدار نمی‌باشند. حتی در مورد قواعد قراردادی، به دلیل نادیده گرفته شدن به تدریج منسوخ می‌شوند. پروفیسور هنکین با استفاده از استدلال دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه نیکاراگوئه در این مورد به پروفیسور فرانک پاسخ گفته

1. Jus Cogens
2. Thomas Franck
3. Combacau
4. Glenon

است.^(۷۱) همانگونه که قضات مشخص ساخته‌اند:

”دیوان برای تعیین یک قاعده به عنوان یک قاعده عرفی، به دنبال این مسأله نمی‌رود که رویه‌های مشابه می‌بایست کاملاً با قاعده منطبق باشند. به نظر دیوان برای اثبات وجود قواعد عرفی کافی است که رفتار دولت‌ها در مجموع با این‌گونه قواعد منطبق باشد و وضعیت‌های غیر منطبق و رفتار دولت‌ها با یک قاعده معین می‌بایست عموماً به عنوان نقض آن قاعده محسوب گردیده و نه به عنوان اماره‌ای مبنی بر شناسایی یک قاعده جدید. چنانچه یک دولت به گونه‌ای عمل کند که در ظاهر با یک قاعده مورد پذیرش منطبق نباشد، اما به دنبال دفاع از رفتار خویش براساس استثنائات یا مبانی توجیهی موجود در خود قاعده باشد، چه رفتار آن دولت حقیقتاً بر آن مبنا قابل توجیه باشد و چه نباشد این موضع‌گیری نشانه‌ای در جهت تأیید و نه تضعیف آن قاعده قلمداد خواهد شد.“^(۷۲)

تا هنگامی که رویه‌های دولتی غیر منطبق با یک قاعده به عنوان نقض حقوق تلقی شوند، آن رویه گامی در جهت ایجاد یک قاعده جدید محسوب نمی‌گردد و قاعده کماکان باقی خواهد ماند. چنانچه جامعه بین‌المللی حمایت از قواعد را ادامه دهند (نوعی دیگر از رویه دولت‌ها) آن قواعد پایدار خواهند ماند. این مسأله به ویژه نسبت به ایالات متحده صادق است. ایالات متحده تاکنون به ایجاد قواعد جدید استناد نکرده است، این کشور بیان نداشته که قواعد موجود منسوخ گردیده‌اند یا این که رویه این کشور با هدف توسعه جدید حقوق تحقق پذیرفته است. تا قبل از مداخله در کوزوو، ایالات متحده همیشه توسل به زور خویش را بر مبنای عبارات منشور توجیه می‌نمود^(۷۳) و حتی پس از کوزوو، مقامات امریکایی به دنبال تغییر کلی قواعد نبوده‌اند.^(۷۴) اگر چه موافقان حمله به عراق استدلال کرده‌اند که باز دارندگی در مقابل بازیگران غیردولتی کافی نیست، با این حال هیچ کس در کابینه بوش علناً اظهار ننموده که حقوق منشوری منسوخ گردیده است یا این که ایالات متحده به حقوق بین‌الملل متعهد نیست. حتی برخی از اعضای این کابینه صراحتاً اعلام داشته‌اند که معتقدند پیش دستی در دفاع از خود قانونی نیست.^(۷۵)

بند دوم: موضع‌گیری در قبال پیش‌دستی در دفاع از خود

ایالات متحده مکرراً پیش‌دستی در دفاع از خود را به دلایل سیاسی و منطقی رد نموده است. ایالات متحده نمی‌خواهد که اینچنین حقی نیز برای سایرین وجود داشته باشد. گلنون استدلال نموده است که شرایط تغییر یافته و واشنگتن می‌بایست نسبت به حقوق موجود تجدید نظر کند.^(۷۶) همانگونه که رویه دولت‌ها نشان می‌دهد، جامعه بین‌المللی و حتی ایالات متحده دریافتند که قواعد موجود برای پرداختن به مشکلاتی همانند تروریسم، سلاح‌های کشتار جمعی و رژیم‌هایی از قبیل رژیم صدام حسین کافی می‌باشند. از نظر تاریخی ایالات متحده مخالف حق پیش‌دستی در دفاع از خود بوده زیرا از دیدگاه امریکا قواعد منشور ملل متحد از لحاظ سیاسی و عقلانی به نفع اوست.

وجود یک سری قواعد مشخص در زمینه محدودیت زور، امنیت ایالات متحده و ارزش‌های امریکایی را تقویت خواهد نمود. ایالات متحده در تصویب منشور ملل متحد پیشگام بوده است و از آن زمان تاکنون سعی داشته، صرفاً استدلالاتی را در زمینه توسل به زور مطرح سازد که بتوان برای سایرین نیز آنها را پذیرفت.^(۷۷) قواعد منشور ممکن است در برخی مواقع ایالات متحده را محدود کند، لکن منافع حاصل از محدود بودن سایرین نیز خود موجب ارزشمند شدن این هزینه پرداختی می‌گردد.^(۷۸) ایالات متحده تمایل ندارد که نوعی رژیم هرج و مرج به وجود آید، رژیمی که براساس آن هر دولتی بتواند علیه دشمنان خویش در قالب پیش‌دستی در دفاع از خود، از زور استفاده نماید.^(۷۹) به علاوه ایالات متحده چنانچه بدون در نظر گرفتن اصول حقوقی غالب عمل کند، نخواهد توانست ارزش‌های اساسی خویش را محترم شمارد. آنچه که پروفیسور هنکین در سال ۱۹۸۷ به نگارش درآورده، مؤید این مطلب است:

”به نفع ایالات متحده نیست که حقوق منشور، مورد تجدید نظر ساختاری قرار گیرد، زیرا ممنوعیت‌های هنجاری این کشور، تضعیف و آشفته خواهد شد. با عنایت به سیستم سیاسی بین‌المللی نامتمرکز، نهادهای قدیمی و سازوکارهای اجرایی حقوق در حال توسعه، مهم است که هنجارهای منشور (که درکنه نظم بین‌المللی رخنه پیدا کرده‌اند و جنگ و صلح را در عصر

هسته‌ای کنترل نموده‌اند) روشن، دقیق و جامع باشند و در قبال تفسیرهای منفعت طلبانه^{۸۰} و تلاش برای کتمان، تحریف یا قلب آسیب‌پذیر نباشند. توسعه مفهوم "حمله مسلحانه" و "دفاع از خود" که استثنائات ممنوعیت توسل به زور و وضعیت‌های قابل پذیرش جهت مداخله نظامی را افزایش می‌دهد، حقوق منشور و نظم بین‌المللی ایجاد شده در پرتو جنگ جهانی را تخریب خواهد کرد.^{۸۰)}

ایالات متحده همیشه با هرگونه قاعده عام که زور مسلحانه یک جانبه را به منظور از بین بردن رژیم‌های تهدید کننده یا دشمن تجویز می‌نماید، مخالفت کرده است.^{۸۱)} دکترین ریگان براساس مبانی استدلالی - سیاسی پیشنهاد گردید که طبق آن ایالات متحده می‌بایست به منظور برقراری رژیم‌های دموکراتیک در توسل به زور تجدید نظر می‌کرد. اما چین کیرک پتریک اشاره داشته که دولت ریگان هیچ‌گاه از این دکترین، به منظور توسل به زور خود استفاده ننمود و دائماً به مبانی استدلالی حقوقی موجود در منشور استناد کرد.^{۸۲)} جرج بوش در پایان جنگ خلیج فارس از یک "نظم جهانی جدید تحت حاکمیت قانون" خبر داد. نحوه عملکرد دولت‌های ائتلاف در آن جنگ، به قواعد منشور و نقش شورای امنیت حیات تازه بخشید.

دولت کلینتون هیچ مبانی توجیهی حقوقی برای توسل به زور در کوزوو ارائه ننمود، در عین حال به ضرورت تغییر حقوق یا تأسیس‌های حقوقی منشور نیز اشاره نکرد. مقامات وزارت خارجه بیشتر تأکید داشتند که مخاصمه می‌بایست هرچه زودتر پایان یابد زیرا ایالات متحده از یک حق عام برای مداخله بشردوستانه حمایت ننمود.^{۸۳)} ایالات متحده همانند همیشه موضوع را در شورای امنیت دنبال کرد.

دولت کنونی بوش پس از ۱۱ سپتامبر با استناد به ماده ۵۱ علیه تروریسم جنگی را آغاز نمود و به شورای امنیت نیز مراجعه کرد و حتی سایر دولت‌ها را در سرتاسر جهان، با خود همراه نمود و اجماعی درخصوص این دیدگاه به وجود آورد که این جنگ قانونی و موجه جلوه نماید. دولت بوش حق سایر دولت‌ها در موارد مشابه را مورد تأیید قرار داده است، لکن طرح حمله علیه عراق با این دیدگاه مغایرت محض دارد. انگلیس مکلف گردیده که دلایلی مبنی بر دست داشتن

1. Self-Serving Interpretations

عراق در حملات تروریستی اخیر یا طراحی حملات تروریستی در آینده بیاید. در تابستان سال ۲۰۰۲ مطبوعات انگلیس گزارش دادند که دولت بلر دیگر منتظر نخواهد ماند^(۸۴): تونی بلر قول داد که "پرونده زشت"^۱ مربوط به توانائی‌های هسته‌ای و ارتباط با تروریسم صدام را منتشر سازد. تعدادی از اعضای مجلس این اظهارات را جدی تلقی نمودند. طرح‌ها کاملاً طبقه‌بندی شده‌اند،^(۸۵) چنانچه دولت بوش شواهد قانع کننده‌ای از وجود تهدیدات جدی علیه ایالات متحده از جانب عراق داشته باشد، فرصت مناسبی است که از شورای امنیت مجوز توسل به زور را دریافت نماید.^(۸۶) با این حال دولت بوش هیچ اشاره‌ای به داشتن این مدارک و یا رفتن به شورا نکرده است. بلکه در لابه‌لای انبوهی از گزارش‌های مطبوعاتی درخصوص عراق، تنها اشاراتی مرتبط با مبانی حقوقی پیش دستی در دفاع از خود وجود دارد.

رئیس جمهور در مراسم آغاز به کار سال ۲۰۰۲ آکادمی نظامی ایالات متحده اظهار داشت: "ایالات متحده نه تنها هر زمان و هر کجا که تشخیص دهد، پیش دستی در توسل به زور نظامی یک جانبه را اعمال خواهد نمود، بلکه ملت امریکا عاملان ترور و تجاوز را تنبیه خواهند نمود و سعی خواهند کرد تا یک شفافیت اخلاقی جهانی بین نیکی و شیطانت ایجاد شود."^(۸۷) یکی از نویسندگان به نقل از یک منبع عالی رتبه در پنتاگون بیان داشته است که "وضعیت عراق در قبال ایالات متحده به گونه‌ای است که می‌تواند مبنای حمله طبق منشور را توجیه کند. طبق منشور چنانچه کشور با خطر قریب‌الوقوعی همانند صدام مواجه باشد می‌توان در اقدام پیش‌دستی نمود."^(۸۸) این دیدگاه تحریف حقوق است و هیچ یک از تحلیل‌های حقوقی از جمله تحلیل پروفیسور دینستین نمی‌پذیرد که جنگ خلیج فارس کماکان وجود دارد^(۸۹) و می‌توان از قطعنامه‌های جنگ خلیج فارس به عنوان مجوز حمله^(۹۰) یا مداخله بشردوستانه استفاده کرد.^(۹۱) ایالات متحده و انگلیس از سال ۱۹۹۱ طبق قطعنامه‌های جنگ خلیج فارس رادارهای عراق را بمباران نموده‌اند. این بمباران‌ها بسیار بحث‌برانگیز بوده‌اند.^(۹۲) هیچ دلیلی وجود ندارد که بپذیریم این قطعنامه‌ها مجوز حمله را صادر می‌نمایند.^(۹۳)

چنانچه اعلان رسمی درخصوص حمله علیه عراق وجود داشته باشد،^(۹۴) به احتمال

فراوان مبنای آن پیش دستی در دفاع از خود است. شاید دولت بوش با اتخاذ این موضع که وضعیت حاضر یک وضعیت حقوقی منحصر به فرد می باشد، به دنبال پرهیز از ایجاد یک رویه خطرناک است و نمی خواهد که این قاعده در دست دیگران نیز قرار داشته باشد.^(۹۵) اگر ایالات متحده با عملکرد خویش سابقه ای را ایجاد کند، این سابقه همانند "اسلحه پراز فشنگی"^۱ خواهد بود که می تواند از سوی سایرین نیز مورد استفاده قرار گیرد. پیش دستی در توسل به زور سابقه ای را ایجاد خواهد کرد که ایالات متحده از سال ۱۹۴۵ تاکنون علیه آن موضع گیری کرده است. پیش دستی در دفاع از خود، توجیه حقوقی حمله پاکستان علیه هند، ایران علیه عراق، روسیه علیه گرجستان، آذربایجان علیه ارمنستان و کره شمالی علیه کره جنوبی را فراهم خواهد ساخت. هر دولتی که فکر نماید رژیم دیگر احتمالاً در آینده تهدیدی علیه او خواهد بود (صرف نظر از وجود دلایل) می تواند با استناد به حمله امریکا به عراق عمل کند.

پیش دستی در دفاع از خود نه تنها محدودیت های توسل به زور از سوی دولت ها را متأثر خواهد ساخت، بلکه بر محدودیت های مربوط به شیوه استفاده از زور نیز اثرگذار خواهد بود. در حال حاضر اقدامات کشورها در قبال حملات به وقوع پیوسته یا حملات طراحی شده، با رعایت اصل تناسب اتخاذ می گردند، حال این که این سؤال مطرح است، چه اقداماتی در قبال یک حمله فرضی متناسب می باشند؟ دولتی که در مقام پیش دستی در دفاع از خود مبادرت به اتخاذ یک تصمیم ذهنی^۲ نسبت به وقایع آینده می نماید، ضروری است که تصمیم گیری ذهنی نیز نسبت به میزان زور مورد نیاز برای پیش دستی اتخاذ کند. در قضیه عراق طرح ایالات متحده به دنبال استفاده گسترده از زور به منظور در کنترل گرفتن تمام کشور و از بین بردن حکومت موجود است. در نتیجه کلیه دولت هایی که مدعی حق پیش دستی در توسل به زور می باشند، از حمله علیه عراق به عنوان رویه ای برای اثبات حق خود بهره خواهند جست. تنها با ریشه کن کردن یک رژیم و یک دشمن خارجی می توان در قبال کلیه حملات احتمالی آتی دفاع نمود. حتی کشورهایی که در قبال حمله مسلحانه واقعی از زور استناد می نمایند، می توانند به این رویه جهت توجیه پاسخ های

1. Looled Gum

2. Subjective Determination

نامتناسب خویش با هدف سرنگونی رژیم‌های خارجی استناد کنند.

با توجه به حقایق موجود در یک وضعیت نامعلوم که تغییر بنیادین قواعد نیاز نیست، حمله به عراق شدیداً به تخریب هنجارهای محدودیت خواهد انجامید، عراق تحت تحریم‌های تجاری ملل متحد است. تحریم‌های اقتصادی نقض گردیده‌اند، اما قدرت نظامی عراق شدیداً تضعیف گردیده است.^(۹۶) برخی از بازرسان تسلیحاتی گذشته ملل متحد که مدت زمانی طولانی در عراق به سر برده‌اند، تردید دارند که عراق تسلیحات هسته‌ای خویش را توسعه بخشیده است.^(۹۷) وزارت خارجه تأیید نموده است که برخی دولت‌های دیگر به تروریسم بیشتر کمک می‌نمایند.^(۹۸) تحریم‌های اقتصادی به عنوان شیوه‌ای از مهار عراق عمل کرده است و این تحریم‌ها می‌توانند و می‌بایست با یکسری ضمانت‌اجراهای قوی‌تر ادامه یابند. چنانچه بعدها عراق تهدیدی علیه ایالات متحده ایجاد نمود، واشنگتن می‌تواند از شورای امنیت تقاضای تجویز اقدام مستقیم را بنماید. سناریوی احتمالی حمله به عراق استفاده این کشور از سلاح‌های کشتار جمعی علیه نیروهای متحدین در اقدام نظامی امریکا و انگلیس بوده است.^(۹۹)

حمله علیه عراق در شرایط فعلی فاقد توجیه حقوقی است. این چنین حمله‌ای صرفاً احساسات ضد امریکایی را در سرتاسر دنیا تشدید خواهد کرد. خودداری براساس اصول مورد توافق جهانی مطمئن‌ترین شیوه برای از بین بردن احساسات و تمایلات ضد امریکایی است. این شیوه مطمئن‌ترین مسیر برای دست‌یابی به امنیت است.^(۱۰۰)

نتیجه‌گیری

مبانی حقوقی بین‌المللی دفاع از خود، توسل به زور ایالات متحده علیه افغانستان را مورد تأیید قرار می‌دهد. پس از حملات مهلک ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده حق داشت که از خود در مقابل حملات تروریستی آینده که از سرزمین افغانستان انجام خواهند شد، دفاع نماید. با این حال ایالات متحده نمی‌تواند به دلیل یک سری نگرانی‌های ذهنی از اقدامات احتمالی آینده دولت‌ها به سایر دولت‌ها حمله کند. نظم حقوقی فعلی وجود یک وضعیت خاص برای ایالات متحده یا یک حق فردی برای مستثنی ساختن خویش از حقوق را نمی‌پذیرد. به منظور تقویت

یک نظم حقوقی که سایر دولت‌ها را محدود ساخته حاکمیت قانون را اجرا نماید، ایالات متحده می‌بایست موضع‌گیری محافظه‌کارانه خویش نسبت به محدودیت‌های موجود در زمینه توسل به زور یکجانبه را ادامه دهد و دکترین نامعقول "پیش دستی در دفاع از خود" را رد نماید.

یادداشت‌ها

1. Serge Schmemmann, U.S. Attacked, Hijacked Jets Destroy Twin Towers and Hit Pentagon in Day of Terror, President Vows to Exact Punishment for "Evil", *N.Y. Times*, Sept. 12, 2001, at Al. معاون وزیر دفاع، پل ولفویتز (Paul Wolfowitz)، بحث پایان بخشیدن به حیات دولت‌هایی که از تروریسم حمایت به عمل می‌آورند را مطرح ساخت.
2. Brian Toohey, Questions for Horward and Beazley on How to Wage War, *AUSTL. Fin, Rev.* Sept. 29, 2001, at 28.
3. در سال ۱۹۹۹ شورای امنیت از طالبان به عنوان فرمانروای غیررسمی (de facto) افغانستان، تقاضای تسلیم بن‌لادن به کشوری را نمود که بتوان در آن وی را مورد محاکمه قرار داد.
S.C. Res. 1267, U.N. SCOR, 54th Sess., 4051 st mtg., U.N. Doc. S/RES/1267 (1999).
شورا مجدداً طی قطعنامه ۱۳۳۳ (۲۰۰۰) از افغانستان تقاضا نمود که بن‌لادن را تسلیم نماید و به علاوه تحریم‌های سخت‌تری را علیه این کشور اعمال نمود.
S.C. Res. 1333, U.N. SCOR, 55th Sess., 4251 st mtg., U.N. Doc. S/RES/1333 (2000).
4. British Release Evidence Against bin Laden, www.salon.com/news/./2001/10/4/british-evidence/print.htm (last visited Oct., 5, 2001).
5. Letter dated 7 October 2001 from the Permanent Representative of the United States of America to the United Nations addressed to the President of the Security Council., U.N.

SCOR, 56th sess., U.N. Doc. S/2001/946; letter dated 7 October 2001 from the charge d'affaires a.i. of the Permanent Mission of the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland to the United Nations addressed to the President of the Security Council., U.N. Doc. S/2001/947.

6. See Mary Ellen O'Connell, Lawful Self-Defense to Terrorism, U. Pitt. L. Rev. (2002) Jack M. Beard, America's New War on Terror: The Case for Self-Defense Under International Law, 25 HARV. J.L. & PUB. POL'Y 559 (2002); Thomas M. Franck, Editorial Comments: Terrorism and the Right of Self-Defense, 95 AM. J. INT'L L. 839 (2001); Mary Ellen O'Connell, Terrorism and Self-Defense, Jurist, (Sept. 18, 2001), at www.jurist.law.pitt.edu/forum; cf. Antonio Cassese, Terrorism is Also Disrupting Some Crucial Legal Categories of International Law, 12 EUR. J. INT'L L. 993, 995-98 (2001).

۷. علاوه بر معاون وزیر دفاع، تعدادی از مقامات جمهوری خواه با حمله نظامی به ویژه علیه عراق موافق بودند. وزیر خارجه سابق امریکا، لورنس ایگل برگر (Lawrence Eagleburger) بیان داشت و "می‌بایست برخی از این افراد را به قتل رسانید، حتی چنانچه مستقیماً نقش نداشته‌اند، با آنها می‌بایست برخورد شود.

See Toohey, supra note 3; see also Richard Perle, Next Stop Iraq, (Nov. 30, 2001), at <http://www.fpri.org/enotes/americanwar,20011130.perle.nextstopiraq.html>.

8. Carla Anne Robbins & Jeanne Cummings, New Doctrine: How Bush decided that Iraq's Hussein Must Be Ousted, Chilling Warnings in October Sparked Internal Debate on Preemptive Strategy, A "Dirty Bomb" Scare in D.C., *Wall ST. J.*, June 14, 2002, at A1.

۹. بوش طی سخنرانی خویش در مراسم افتتاحیه دانشکده افسری در مه ۲۰۰۲ از عبارت "پیش‌دستی" (Preemption) استفاده نمود.

Mike Allen & Karen DeYoung, Bush: U.S. will strike first at enemies; In West Point Speech, President Lays Out Broader, U.S., Policy, *wash, post*, June 2, 2002, at A01; see also Robbins & Cummings, Supra note 9.

واژه "پیش‌دستی در دفاع از خود" در این مقاله به آن مواردی اشاره دارد که در آن دولتی به منظور از بین بردن احتمال

حملات آینده از سوی یک دولت دیگر به زور نظامی متوسل گردد، حتی چنانچه هیچ دلیلی مبنی بر اثبات وجود طراحی یک حمله وجود نداشته باشد و هیچ حمله قبلی صورت نپذیرفته است.

See Yoram Dinstein, *War Aggression, and self-Defense* 168 (3d Ed. 2001); Ian Brownlie, *International Law and the use of Force by States* 275 (1963).

میان این واژه و دفاع از خود "پیش از موعد" (Anticipatory) می‌بایست تفکیک قائل شد. دفاع از خود پیش از موعد دکتترین محدودتری است که اجازه می‌دهد در قبال حملاتی که وقوع آنها در راه می‌باشند، یا این که حمله دشمن قبلاً صورت پذیرفته و قربانی از طراحی حملات بیشتر آگاه است، واکنش نشان داد.

10. See generally on the use of force, Dinstein, *supra* note 10; Christine Gray, *International Law and the use of force* (2000); Stanimir A. Alexandrov, *Self-Defense against the use of force in International Law* 165 (1996); Hilaire Mccoubrey & Nigel D.White, *International law and armed conflict* (1992); Belatchew Asrat, *Prohibition of force under the U.N. charter, A study of art. 2(4)* (1991), *The Current Legal Regulation of the use of Force* 3 (A. Casses ed., 1986); Brownlie, *supra* note 10.

11. U.N. Charter art. 2, para. 4.

۱۲. ماده ۵۱ منشور ملل متحد، در متن فرانسوی منشور، حتی تأکید شدیدتری بر محدودیت توسل به زور در واکنش به اقدامات خصمانه جدی وجود دارد. در این متن از عبارت "تجاوز مسلحانه" (agression armee) استفاده شده است حال این که در متن انگلیسی واژه "حمله مسلحانه" (armed attack) به چشم می‌خورد.

۱۳. طبق نظریه پروفیسور یان براونلی، در کنفرانس تهیه پیش‌نویس منشور در سانفرانسیسکو، "پیش فرض مخالفت با خودیاری (Self-help) حتی در قالب دفاع از خود ماده ۵۱ بوده است و این امر به صلاحدید شورای امنیت واگذار گردیده است."

Brownlie, *supra* note 10, at 275 and references therein.

14. Anthony D'Amato, *Israel's Air Strike Upon the Iraqi Nuclear Reactor*, 77 AM. J. INT'LL. 584 (1983).

15. S.C.Res. 487 (June 19, 1981).

این قطعنامه در مقدمه خویش پیش از پاراگراف اجرایی که حملات را به عنوان نقض منشور محکوم می‌نماید، به ماده ۲ (۴) اشاره می‌نماید.

۱۶. هیأت نمایندگی ایالات متحده در سانفرانسیسکو در پاسخ به هیأت نمایندگی برزیل در زمینه دامنه بند ۴ ماده ۲ بیان داشت: "نیت نویسندگان متن اصلی این بوده که در موسع‌ترین شیوه عبارت پردازی، ممنوعیت کامل و جامع مدنظر قرار گیرد، عبارت "یا به هر شیوه دیگر" در جهت تضمین این امر به کار گرفته شده است که هیچ راه‌گریزی برای تفسیر وجود نداشته باشد."

6 United Nations Conference on International Organization 334-35 (1945). See also Brownlie, *supra* note 10, at 275.

17. See, e.g., *Corfu Channel Case (U.K. v. Alb.)*, 1949 I.C.J. 4 (Apr.9) *Military and Paramilitary Activities in and Against Nicaragua (Nicaragua v.U.S.)*, 1986 I.C.J. 14 (June 27)(herein after *Nicaragua*).

در قضیه نیکاراگوئه، دیوان بیشتر از این که به مقررات منشور بپردازد به تفسیر محدودیت‌های موجود در حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه توسل به زور پرداخت و هیچ تفاوتی بین ماده ۵۱ و حقوق عرفی نیافت. برای تحلیل این مسأله و سایر مسایل موجود در این قضیه بنگرید به:

T.D. Gill, *Litigation Strategy in the Nicaraguan Case at the International Court*, in *International Law at a time of Perplexity* 197 (Yoram Dinstejn & Mala Tabory (Eds.), 1989).

18. *Nicaragua*, at paras. 194-195, 211.

به منظور اطلاعات بیشتر از مسأله مسؤلیت یک دولت به دلیل اعمال گروه‌ها یا اشخاص و برابری این عمل با یک حمله مسلحانه یا سایر تخلفات به یادداشت‌های ۳۴-۳۱ بنگرید.

19. See *Definition of Aggression*, G.A.Res. 3314, U.N. GAOR, 29th Sess., Supp. No. 31, U.N. Doc. A/9631 (1974); see also *Declaration on principles of International Law concerning Friendly Relations and Cooperation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations*, G.A. Res. 2625, U.N. GAOR, 25th Sess., Supp. No. 28, U.N. Doc. A/8028 (1970).

20. Nicaragua, at paras 194-95.

۲۱. کاملاً روشن نیست که آیا نیت دیوان این بوده که بیان دارد ارسال تسلیحات و سایر مواد هیجگاه با یک حمله مسلحانه برابری نمی‌نماید یا این که صرف اثبات تسلیحات و سایر مواد در یک قضیه با یک حمله مسلحانه برابری نمی‌نماید.

Id. at paras. 195, 230.

22. Id. at paras. 194-98, 233.

23. Id. at paras. 194-95, 210.

۲۴. توسل به زور به هر یک از این اهداف، اقدام به مثل تلقی می‌گردد. به طور کلی، اقدام به مثل "به دنبال تحمیل غرامت به دلیل یک زیان وارده، اجبار به حل و فصل یک اختلاف ناشی از یک عمل غیرقانونی دولت دیگر، یا اجبار دولت خاطی به پذیرش قانون می‌باشد. به دلیل ماهیت آنها، اقدام به مثل پس از واقعه و هنگامی که زیان قبلاً وارد آمده است، انجام می‌پذیرد.

Alexandrov, supra note 11, at 17-18.

۲۵. اعلامیه روابط دوستانه تصریح می‌دارد که "دولت‌ها متعهدند از انجام اقدام به مثل متضمن توسل به زور خودداری نمایند."

Supra note 20. See also Corfu Channel, supra note 18, at 108-9.

۲۶. ماده ۵۱ به روشنی حداقل یک شیوه از توسل به زور از سوی دولت‌های عضو را تجویز می‌نماید و آن استفاده از زور مسلحانه به منظور دفع یک حمله مسلحانه می‌باشد.

Bert V.A. Roling, The Ban on the Use of Force and the U.N. Charter, in the Current legal regulation of the Use of force, supra note 11, at 3.

27. Note the example of Kuwait's liberation following Iraq's occupation in 1990, described in Mary Ellen O'Connell, Enforcing the prohibition on the Use of Force: The U.N.'s response to Iraq's Invasion of Kuwait, 15 S. ILL. U.L.J. 453 (1991).

28. Nicaragua, at paras 35, 194.

29. ASRAT, Supra note 11, at 199.

30. See Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, arts. 4-11, UN G.A. Res. 56/83 (2002); Definition of Aggression, *supra* note 20, at art. 3.

۳۱. بنگرید به تعریف تجاوز، در یادداشت شماره ۲۰، در ماده ۳ (g): "گسیل باندها، گروه‌ها، گروه‌های نامنظم یا مزدوران از سوی یا به نمایندگی از یک دولت، که علیه یک دولت دیگر اقدامات مسلحانه‌ای را انجام می‌دهند که از شدتی همانند اعمال مذکور در فوق برخوردار می‌باشد یا در آن کشور مداخله اساسی می‌نمایند".

See also Prosecutor v. Tadic, Opinion and Judgment, No. IT- 94-I.T, Para. 137 (May 7, 1997).

۳۲. ترکیه و ایران علیه گروه‌های نامنظم کرد در شمال عراق در منطقه خارج از کنترل عراق مبادرت به اقدام نظامی نموده‌اند. این اقدامات به شورای امنیت گزارش شدند و ادعای دفاع از خود نیز مورد مخالفت قرار نگرفت. اسرائیل، یرتغال، آفریقای جنوبی و بریتانیا نیز براساس مبانی مشابه از زور نظامی استفاده نموده‌اند و کمتر واکنشی نسبت به آنها وجود داشته است. ۳۳. در قضیه گروگان‌گیری ایران، دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل "کوتاهی مقامات ایران در مقابله با حملات مسلحانه شبه نظامیان" و "تأیید فوری وضعیت به وجود آمده از سوی مقامات ایران را مسؤول گروگان‌گیری سفارت ایالات متحده دانست".

Case Concerning United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran (U.S. v.Iran), 1980 I.C.J. Rep. 3, 42.

34. Advisory Opinion on the Legality of the Threat or use of Nuclear Weapons, 1996, I.C.J. 226, para. 41.

دیوان بیان داشت که اصول ضرورت و تناسب می‌بایست در هرگونه توسل به زور مسلحانه مورد احترام قرار گیرند. ۳۵. اصل تناسب توسل به زوری را ممنوع می‌نماید که انتظار می‌رود موجب صدمه جانبی به شهروندان غیرنظامی، زخمی شدن غیرنظامیان، تخریب اهداف غیرنظامی، یا ترکیبی از آنها شود که از منافع معین و مستقیم نظامی پیش‌بینی شده فراتر رود.

Protocol Additional to the Geneva Conventions of 12 August 1949, and Relating to the Protections of Victims of International Armed Conflicts (Protocol I), June 8, 1977, art. 51, para 5, 1125. U.N.T.S.3.

"در حقوق مخاصمات مسلحانه، مفهوم تناسب مبتنی بر این اصل اساسی است که اطراف درگیری از حق انتخاب

نامحدود ابراز برای زیان رسانیدن به دشمن برخوردار نمی‌باشند.

Judith Gardam, Proportionality and Force in International Law, 87 AM. J. INT'L L. 391 (1993).
در حالتی که یک دولت در کنترل اعمال تروریست‌ها قصور نماید و به طریق دیگر نیز قانوناً مسؤول اعمال آنها نباشد، یک دولت می‌تواند منطبق با اصل تناسب در قالب حق دفاع از خود اقدام نماید و فقط تروریست‌ها و نه دولت یا نیروهای نظامی دولت سرزمینی را مورد هدف قرار دهد.

36. Nicaragua, at para. 194.

مسأله مشروعیت واکنش به تهدید قریب‌الوقوع به یک حمله مسلحانه مطرح نگردیده است.

37. Nicaragua, at paras. 194, 230.

38. But see Randelzhofer, Article 51 in the Charter of the United Nations, A Commentary 675 (Bruno Simma et al. Eds., 1995) hereinafter Simma's commentary.

در دکتترین حقوقی بین‌المللی هیچ اجماعی نسبت به زمان استفاده از حق دفاع از خود در قبال یک حمله مسلحانه وجود ندارد.

39. C.H.M. Waldock, The Regulation of the use of force by Individual States in International Law, 81 Hague recueil 451, 498 (emphasis added); quoted in Dinstein, supra note 10, at 172.

40. Id.

41. See Le general Rabin ne pense pas que Nasser voulait la guerre, Le Monde, Feb. 19, 1968. see also John Quigley, The United Nations Action against Iraq: A precedent for Israel's Arab Territories? 2 DUKE J. Comp. & Int'l L. 195, 203-13 (1992); Dinstein, supra note 10, at 173.

42. John B. Moore, 2 A Digest of International Law 412 (1906); McCoubrey & White, supra note 11, at 91-96; Oscar Schachter, International Law in theory and practice 150-52 (2d Ed. 1991).

همچنین بنگرید به مذاکرات قضیه اسیریک (Osirik) در شورای امنیت که در طی آن دکتترین کارولین مورد تایید عراق بود.

Infra note 71, at 17.

43. Alexandrov, *supra* note 11, at 165.

۴۴. انگلیس به دنبال حملات شورشیان از سرزمین خویش در مستعمره عربستان جنوبی در سال ۱۹۶۴، به زور مبادرت ورزید. این توسل به زور به عنوان نوعی از اقدام به مثل و به دلیل تأخیر و عدم تناسب در استفاده از زور محکوم گردید.

UN SC Res. 188 (1964); see also Alexandrov, *supra* note 11, at 165-88; Jean Combacau, *The Exception of Self-Defense in U.N. Practice, in Legal Regulation of the use of force*, *supra* note 11, at 9, 27-28.

45. See Louis Henkin, *International Law: Politics values and Functions*, 216 *recueil des cours* (1989-IV), revised and republished as Louis Henkin, *International Law: Politics, Values and functions* 142-62 (1990); dinstein, *supra* note 10, at 220-26.

46. Mary Ellen O'Connell, *Evidence of Terror*, 7 *J. Conflict & Security L.* 19, 30 (2002).

47. UN S.C. Res. 1368 (2001); UN S.C. Res. 1373 (2001).

48. Keith B. Richburg, *Bin Laden's Culpability 'Clearer; NATO Chief Says: Military Action is Not Requested as U.S. Shares More Evidence*, *wash, Post*, Sept. 27, 2001. at A14.

۴۹. به منظور اطلاع از مباحث کامل در خصوص مشروعیت واکنش‌های پس از ۱۱ سپتامبر بنگرید به:

Mary Ellen O'Connell, *Lawful Self-Defense to Terrorism*, U. PITT.L. REV.(2002); Jack M. Beard, *America's New War on Terror: The Case for Self-Defense Under International Law*, 25 *Harv.J.L. & Pub. Pol'y* 559 (2002); Thomas Franck, *Terrorism and the Right of Self-Defense*, 95 *AM. J. INT'L* 839 (2001); Mary Ellen O'Connell, *Terrorism and Self-Defense*, *Jurist*, Sept. 18, 2001 (available at www.jurist.law.pit.edu/forum); cf. Antonio Cassese, *Terrorism Is also Disrupting some crucial legal categories of International Law*, 12 *EUR.J. INT'LL*. 993, 995-98 (2001).

50. John Kelly, *The Man behind the Terror*, *Wash. post*, Sept. 27, 2001, at C12.

51. Peter Finn, *Germans Identify more terror suspects; police Watch five people who may have*

provided support to Sept. 11 Hijackers, *Wash. post*, Nov. 17, 2001, at A21.

52. William Drozdiak and Rajiv Chandrasekaran, NATO: U.S. Evidence on Bin Laden Compelling; Allies give unconditional support for retaliatory strikes; Taliban Official Asks to see proof, *Wash, Post*, Oct. 3, 2001, WL 28361574.

53. Recovered al-Qaeda Documents Reveal Plans for other Terror Attacks: Official, agence FR, Presse, Feb. 1, 2002, WL 21/1/02 AGFRP.

54. David Osborne, UN Raps US Military, After Afghan Wedding "Cover UP" *Independent*, July 30, 2002, at 9.

55. SC Res 687 (March 1991).

56. Advisory Opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, 1996.I.C.J. 226, 266 (July 8).

رأی دیوان در این بخش، هفت رأی مخالف در برابر هفت رأی موافق بود که به دلیل رأی قاطع رئیس دیوان مورد تصویب قرار گرفت.

57. SC Res. 487 (June 19, 1981); see also Dinstein, *supra* note 10, at 169 and W.T. Mallison & Sally Mallison, The Israeli Aerial Attack of June 7, 1981, Upon the Iraqi Nuclear Reactor: Aggression or Self Defense? 75 *V and. J. Transna't LL.* 417 (1982).

58. U.N. SCOR 36th Sess. 2288th mtg. at 14, U.N. Doc. S/PV. 2288 and Corr. 1 (1981).

59. *Id.* at 3.

۶۰. برخی از نویسندگان ادعا نموده‌اند که دولت‌ها اکنون حمله اسرائیل را مورد تأیید قرار می‌دهند، لکن هیچ مبنای رسمی برای این ادعا ارائه نکرده‌اند.

See W. Michael Reisman, International Legal Responses to Terrorism, 22 *Houston J. INT'LL.* 4, 17-18 (1999).

61. Lee A. Casey & David B. Rivkin, Jr., "Anticipatory" Self-Defense Against Terrorism is Legal (Dec. 14, 2001), available at <http://www.wlf.org/upload/casey.pdf> Reisman, *supra* note 75;

Anthony Clark Arend & Robert J. Beck, *International Law and the use of force* (1993).

62. Louis Henkin, *Use of Force: Law and U.S. Policy in Might V. Right*, *International Law and the use of Force* 45 (Louis Henkin et al. Eds., 1989).

63. *Id.*

64. Oscar Schachter, *The Right of States to use Armed Force*, 82 *Mich. L.REV.* 1620, 1634-36 (1984).

65. *Id.*

66. *Nicaragua*, para. 190.

۶۷. هنکین در خصوص تنوری حق ذاتی بیان داشته است که این تنوری "بدون مینا، استدلال آن سفسطه‌آمیز و نظریه آن مخرب" می‌باشد.

Louis Henkin, *How Nations Behave* 141 (2d Ed. 1979); see also Dinstein, *supra* note 10, at 167; Gray, *supra* note 11, at 112, Alexandrov, *supra* note 11, at 165; Oscar Schachter, in *Defense of International Rules on the Use of Force*. 53 *U.CHI. L.REV.* 113, 135 (1986); Combacau, *supra* note 45, at 27-8; Brownlie, *supra* note 10, at 275.

68. Thomas M. Franck, *Who killed Article 2 (4)?*, 64 *AM.J.INT'L L.* 809 (1970), But see Franck, *Terrorism and the Right of Self-Defense*, *supra* note 7.

در این مقاله قواعد منشور بسیار زنده و پویا فرض گردیده‌اند.

69. Combacau, *supra* note 45, at 32.

70. Michael Glennon, *The Fog of Law: Self-Defense, Inherence, and Incoherence in Article 51 of the United Nations Charter* 25 *Harv.J.L. & Pub. Pol'Y* 539, 546 (2002), see also Michael J. Glennon, *Pre-empting Terrorism; the case for Anticipatory Self-Defense*, *Wkly. Standard*, Jan. 28, 2002, at 24.

71. Louis Henkin, *The Reports of the death of article 2 (4) are greatly Exaggerated*, 65 *AM.J. INT'LL.* 544 (1971).

72. Nicaragua, at para. 186.

۷۳. حتی در دوره زمامداری ریگان، توسل به زور براساس استدلالاتی توجیه می‌گردید که در قالب منشور بود. براساس دکترین ریگان، رئیس‌جمهور به طور سیاسی از توسل به زور به منظور برقراری رژیم‌های حامی دموکراسی حمایت می‌نمود، لکن دلایل حقوقی کابینه ریگان بسیار محافظه کارانه بود.

See Jeane, J. Kirkpatrick & Allan Gerson, *The Reagan Doctrine, Human Rights, and International Law*, in *Might V Right, International Law and the Use of Force* supra note 77, at 19-20.

۷۴. درخصوص موضع‌گیری رسمی ایالات متحده در زمینه مداخله بشردوستانه بنگرید به:

Mary Ellen O'Connell, *Authority to Intervene*, *International Legal Challenges for the twenty-first century*, proceedings of a joint meeting of the Australia and Newzealand Society of International Law and the American Society of International Law 303 (June 26-29, 2000); see also Gray, from *Unity to Polarizatio: International Law and the use of Force Against Iraq*, 13 *EUR, J.INT'LL.* 1, 10, 15 (2002).

75. Jason Burke & Ed Vulliamy, *War Clouds Gather as Hawks lay their plans*, *Observer*, July 14, 2002, at 14.

76. Glennon, *The Fog of Law*, supra note 71.

۷۷. به هنگام مداخله در کوزوو، کابینه کلینتون مشخصاً هیچ موضع‌گیری حقوقی را ارائه ننمود. تنها پس از پایان مخاصمه، بدون هرگونه توضیح کابینه کلینتون اعتراف نمود که مداخله بشردوستانه قانونی نبوده است.

78. Cf. Henry Kissinger, *Beyond Baghdad*, *New York Post*, Aug. 11, 2002, at 24, also in *Wash. Post*, Aug. 12, 2002.

مسئولیت ویژه ایالات متحده، به عنوان قدرتمندترین ملت جهان، این است که به سمت سیستم بین‌المللی حرکت نماید که کمتر مبتنی بر قدرت نظامی باشد. در حقیقت این امر منجر به تبدیل قدرت به همکاری می‌گردد. هرگونه موضع‌گیری دیگر بتدریج ما را منزوی و از پای درخواهد آورد. به نفع منافع ملی آمریکا نیست که پیش‌دستی را به عنوان یک اصل جهانی ممکن برای استفاده توسط هر ملت، پایه‌ریزی نماید».

79. Id.

حتی اجازه استفاده از حق دفاع از خود به هنگام قریب‌الوقوع بودن یک حمله نیز یک قاعده مشکل‌ساز می‌باشد، زیرا «قریب‌الوقوع بودن» می‌تواند هر یک از مفاهیم ساعت، روز، هفته، سال یا دهه را نیز شامل شود.

80. Henkin, *Use of Force: Law and U.S. Policy*, *Supra* note 63, at 69.

۸۱ گلنن به هنگام بحران کوزوو استدلال نمود که حقوق می‌بایست به نحوی تغییر یافته که اقدام ناتو به جای شورای امنیت را ممکن سازد. ایالات متحده هیچ حمایتی در این زمینه به عمل نیاورد. اطلاعات منتشره از سوی مطبوعات درخصوص برنامه حمله عراق شامل درخواست برای اعطای مجوز از ناتو نمی‌شود.

See Michael J. Glennon, *The New Interventionism: The Search for a Just International Law*, 78 *Foreign Aff.* 2 (1999).

گلنن در مقالات بعدی خویش از حق پیش‌دستی در دفاع از خود و این که ناتو بتواند در صدور مجوز توسل به زور فعال باشد را مطرح نمی‌سازد.

See Glennon, *Fog of Law*, *Supra* note 71.

82. Kirkpatrick & Gerson, *Supra* note 74.

83. O'Connell, *Authority to Intervene*, *Supra* note 75.

84. *What Would We Be fighting For?* observer, July 14, 2002, at 28.

85. Id.

۸۶ دینستین استدلال می‌نماید که اقدام علیه عراق مشروع می‌باشد، البته نه طبق حق ذاتی دفاع.

Yoram Dinstein, *Remarks*, 2002 PROC. ASIL (forthcoming). See also Ruth Wedgwood, *Testimony before the Subcommittee on the Constitution*, Senate Foreign Relations Committee, April 17, 2002.

87. Allen & DeYoung, *Supra* note 10.

88. Burke & Vulliamy, *Supra* note 76.

89. Dinstein, *Remarks*, *Supra* note 87.

۹۰. ایالات متحده و انگلیس توجیه در توسل به زور خویش علیه عراق جهت ایجاد مناطق تحت حمایت کردها در

شمال و حفاظت از منطقه ممنوع پرواز و بازرسان تسلیحاتی از نظریه اقتدار ضمنی (Implied Authority) استفاده نمودند.

See John Quigley, *The United Nations Security Council: Promethean Protector or Helpless Hostage?*, 35 *TEX. INT'L L. J.* 129 (2002); Jules Lobel & Michael Ratner, *Bypassing the Security Council, Ambiguous Authorization to Use Force, Cease-Fires, and the Iraqi Inspection Regime*, 93 *AM. J. INT'L L.* 124 (1999); Ruth Wedgwood, *The Enforcement of Security Council Resolution 687: The Threat or Use of Force Against Iraq's Weapons of Mass Destruction*, 92 *AM. J. INT'L L.* 724, 724-26 (1998); Mary Ellen O'Connell, *Continuing Limits on U.N. Intervention in Civil Wars*, 67 *IND. L. J.* 903 (1992).

گری همچنین خاطرنشان می‌سازد که ایالات متحده و انگلیس استدلال نموده‌اند عراق قطعنامه‌های آتش‌بس را ماهیتاً نقض کرده است، لکن این استدلال، استدلال مستقل از نظریه اقتدار ضمنی محسوب نمی‌شود.

See Gray, *From Unity of Polarization*, *Supra* note 75, at 9-13.

۹۱. دولت انگلیس علناً ادعا نموده است که برخی از توسل به زورهای آنها علیه عراق پس از جنگ خلیج [فارس] براساس مداخله بشردوستانه قابل توجیه هستند.

Gray, *From Unity to Polarization*, *Supra* note 75, at 9-13.

92. See, e.g., the debate at the Security Council with regard to a major US/UK use of force in December 1998, Operation Desert Fox. U. N. SCOR 53d Sess., 3955th mtg., U. N. Doc. S/PV 3955, Dec. 16, 1998.

۹۳. به هنگام مداخله در کوزوو، برخی از صاحب‌نظران جهت توجیه حمله به دکترین ضرورت استناد نمودند. حال اینکه دکترین ضرورت نمی‌تواند نقض یک قاعده آمره (jus Cogens) همانند ممنوعیت توسل به زور یکجانبه را توجیه نماید.

See Mary Ellen O'Connell, *The UN, NATO, and International Law After Kosovo*, 22 *Hum. Rts. Q.* 57 (2000).

۹۴. شاید همانند کابینه کلینتون به هنگام مداخله در کوزوو، کابینه بوش از ارائه هرگونه مبنای رسمی برای استفاده از

زور خودداری نماید.

۹۵. در حقوق بین‌الملل دولت‌ها از موقعیت حقوقی برابر برخوردار می‌باشند. ساختار اساسی حقوق بین‌الملل یک نظم حقوقی با موجودیت‌های سیاسی یکسان می‌باشد و با مدینه فاضله (Civitas maxima) یا نظم جهانی متفاوت است... حقوق بین‌الملل عام قدرت‌های استیلایی (Hegemonic) که متضمن اقتدار حقوقی برتر در زمینه حوزه‌های سیاسی اثرگذاری چه به شکل «قدرت پلیسی» یا یک «اقتدار قضایی» باشند را مورد تأیید قرار نمی‌دهد.

Helmut Steinberger, Sovereignty, in 4 Encyclopedia of Public International Law 397, 412 (Rudolf Bernhardt Ed., 1984).

همچنین بنگرید به ماده ۲(۱) منشور: «سازمان براساس اصل برابری حاکمیت کلیه دولت‌های عضو مبتنی است.»

96. Stephen Fidler et al., The Weapons Threat-Absence of Weapons Inspectors Helps Iraq Keep Its Secrets, *Fin. Times*, July 9, 2002, WL 23846973.

97. Ritter Challenges US to Show Proof of Iraqi Links with Terror, *Irish Times*, July 17, 2002, WL 24079755.

98. Richard Wolfe, US Names Iran as Chief State Sponsor of Terror, *Fin. Times*, May 22, 2002, at 1; Jonathan Wright, US Issues Biggest Global Report on Terror, *Scotsman*, May 22, 2002, at 12; see also Ivan Eland, What Should the United States Do About Saddam Hussein?, 50 *Emory L. J.* 833, 839-840 (2001).

99. Eland, *Supra* note 115, at 850.

100. For similar views, see Anatole Kaletsky, America Is Becoming Its Own Worst Enemy, *London Times*, Mar. 14, 2002, WL 4190063; Michael Howard, Waht Is in a Name, 81 *Foreign Aff.* 8 (2002); Philip Heymann, Dealing with Terrorism, An Overview, 26 *INT'L Security* 24 (2001); Stephen M. Walt, Beyon bin Laden, Reshaping U. S. Foreign Policy, 26 *INT'L Security* 56 (2001). But see Kenneth M. Pollack, Next Stop Baghdad?, 81 *Foreign Aff.* 32 (2002); Barry R. Posen, The Struggle Against Terrorism, Grand Strategy, Strategy, and Tactics, 26 *INT'L Security* 39, 43 (2001); and Perle, *Supra* note 8.